

مروری بر نظریات جدید مطرح شده در حوزه مهاجرت

محمد رضا برومندزاده^۱

رضا نوبخت^۲

چکیده

مهاجرت حرکت بالنسبه دائمی جمعی است به نام مهاجر، از یک مکان به مکان دیگر که مقدم بر آن، مهاجران بر اساس سلسله مراتبی از ارزش‌ها یا هدف‌های با ارزش، تصمیم می‌گیرند و نتیجه این حرکت، تغییراتی در نظام کنش متقابل مهاجران است. در طول تاریخ، شکل مهاجرت بر حسب زمان و تحولات محیطی و اجتماعی تغییر یافته است. از اوایل قرن نوزدهم، مهاجرت - آن هم از نوع روستا به شهر - به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم بیان شده است. رشد شتابان صنعت و گسترش وسایل ارتباط جمعی، در عرصه بین‌المللی سبب شد نگاه‌های محلی و منطقه‌ای به زندگی پیرامونی و حوادث و پدیده‌های اجتماعی تحت‌الشعاع اندیشه و جریان‌های جهانی قرار گیرند. از دیرباز محققان و پژوهشگران اقدام به بررسی روندها و قانونمندی‌های پدیده‌های اجتماعی کرده‌اند که مهاجرت هم به عنوان یک پدیده تأثیرگذار در زندگی اجتماعی و فردی از این قاعده مستثنی نبوده است. در دهه‌های اخیر نظریات متعددی در رابطه با پدیده مهاجرت، عوامل تأثیرگذار بر آن و تأثیرات مختلف آن ارائه شده است. در این اثر به بررسی بخشی از این نظریات خصوصاً نظریات جدید و در رابطه با حرکات جدید مهاجرتی مثل حرکات برگشتی مهاجران، انطباق یا فرهنگ پذیری از جامعه میزبان پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، نظریات مهاجرت، جاذبه مهاجرت، دافعه مهاجرت

۱- دانشجوی دکتری رشته جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

نظریه پردازی را می‌توان وسیله‌ای دانست که بر اساس آن فعالیت روشنفکرانه‌ای به نام «علم» به سه هدف اصلی خود می‌رسد: اول، طبقه‌بندی و سازماندهی وقایع در جهان به نحوی که در یک دیدگاه قرار گیرند. دوم، تبیین علل وقایع گذشته و پیش‌بینی این‌که چه وقت، کجا، و چگونه وقایع در آینده اتفاق می‌افتند و سوم، عرضه یک احساس از فهم این‌که چرا و چگونه وقایع باید اتفاق بیفتند (ترنر، ۱۳۷۲: ۱۳). بدلیل اینکه مهاجرت، موضوع بین رشته‌ای بسیاری از علوم انسانی، اجتماعی و اقتصادی است، آرا و نظریات گوناگونی درباره آن مطرح شده است که هر یک از آنها به مصادیق خاصی از مهاجرت پرداخته‌اند. موضوع مهاجرت از جانب دیدگاه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیستمی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس انواع مختلفی از مدل‌های نظری برای تبیین مهاجرت‌ها مطرح شده‌اند. آن‌ها مفاهیم، فرضیات و چارچوب‌های مرجع مختلفی را ارائه می‌کنند. نظریه‌های اقتصادی نئوکلاسیک^۱ بر روی تفاوت در دستمزدها و شرایط اشتغال بین کشورها و هزینه‌های مهاجرت تأکید می‌کنند و در کل حرکت‌های مهاجرتی را یک تصمیم فردی در نظر می‌گیرند که برای افزایش درآمد مهاجرت انجام می‌شود. برعکس، نظریه اقتصاد جدید مهاجرت^۲ شرایط مختلفی را در بازار در نظر می‌گیرد و مهاجرت را تصمیم خانوار می‌داند که از این طریق هدفش کاهش خطرات مربوط به درآمد خانواده بوده که سعی می‌کند بر فشارهای ناشی از سرمایه که بر روی تولیدات خانوادگی تأثیرگذارند، غلبه کند. نظریه بازار کار دوگانه^۳ و نظریه نظام جهانی^۴ به طور کل، این فرآیندهای تصمیم‌گیری در سطح خرد را نادیده می‌گیرند و به جای آن تأکیدشان بر روی نیروهایی است که در سطوح بالاتر انباشت سرمایه عمل می‌کنند. در حالی که نظریات پیشین دلیل مهاجرت را نیازهای ساختاری نظام اقتصادسرمایه‌داری جدید می‌دانستند، نظریات بعدی دلیل حرکت‌های جمعیتی را پیامد طبیعی جهانی شدن اقتصاد و نفوذ بازار در سراسر مرزهای ملی می‌دانستند (مسی^۵ و دیگران، ۱۹۹۳: ۴۳۳). مارکس، میردال^۶، هیرشمن^۷، و والرشتاین^۸ معتقدند مهاجرت‌ها افزایش خواهند یافت مگر این‌که تفاوت‌های توسعه در جهان کاهش یابد، این اندیشمندان معتقدند که پیشرفت‌های فنی مناطق هسته‌ای شمالی به مناطق پیرامونی جنوبی گسترش نیافته‌اند (شکرینز^۹، ۲۰۰۵: ۵۳۷). علاوه بر دیدگاه‌های مطرح در این حوزه، نظریاتی که با نام صاحب نظران آنان شناخته

۱-Neoclassical Economics

۲-New Economics of Migration

۳-Dual Labor Market

۴-World System Theory

۵-Messay

۶-Myrdal

۷-Hirschmann

۸-Wallerstein

۹-Schuerkens

می شوند نیز مطرح می شوند که عبارتند از نظریه راونشتاین^۱، نظریه لاری ساستاد^۲، نظریه اورت لی^۳، نظریه زیپف^۴، نظریه آرتور لوییس^۵ و تودارو^۶.

در مطالعات انجام شده در ایران به تئوری های و مدل های مهاجرت در حوزه های تحقیق علوم اجتماعی و نیز اقتصادی توجه شده است اما برخی از تئوری های مطرح در این حوزه که بیشتر بر وضعیت مهاجران در مقصد توجه دارد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این تئوری ها بر ادغام برخورد مهاجران با جامعه بومی، ادغام و انطباق آنها در جامعه میزبان و نیز مسایل و مشکلات آنها در جامعه جدید توجه دارد. از اینرو، پژوهش حاضر به دنبال ارائه و مطرح نمودن تئوری هایی است که به وضعیت مهاجران در جامعه میزبان (مقصد) توجه دارد که تحت عنوان مفاهیمی مانند ادغام، انطباق، همانند گردی مطرح می شود.

مدل های ادغام قومی آنتونی گیدنز

گیدنز معتقد است در عصر جهانی شدن و دگرگونی های پرشتاب، مزایای بی شمار و چالشهای بغرنج تنوع قومی در برابر شمار روبه رشدی از دولت ها قرار دارد. مهاجرت بین المللی همراه با ادغام شدن و یکپارچگی اقتصاد جهانی شتاب بیشتری می گیرد؛ حرکت و اختلاط جمعیت های انسانی ظاهرا در سال های آتی بیشتر خواهد شد. در همین حال، آتش تنش ها و تعارض های قومی نیز همچنان در جوامع سراسر جهان زبانه می کشد، و بعضی از کشورهای چندقومیتی را به از هم پاشیدن تهدید می کند و برخی را در معرض رواج خشونت های مهارناپذیر قرار می دهد. چگونه می توان تنوع قومی را تاب آورد و از بالا گرفتن تعارض های قومی پیشگیری کرد؟ در جوامع چند قومیتی چه رابطه ای میان گروه های اقلیت قومی و اکثریت جمعیت باید وجود داشته باشد؟ سه مدل اساسی برای ادغام قومی مهاجران وجود دارد که برخی از جوامع چند قومیتی در برابر این چالش ها از آن ها استفاده کردند: همانند گردی، کوره ذوب، و کثرت گرایی (گیدنز، ۱۳۸۷: ۳۷۳).

اولین راه **همانند شدن** است، به این معنا که مهاجرانی که وارد یک جامعه می شوند دست از آداب و رسوم و کردارهای اولیه خود بردارند و رفتار خود را بر اساس ارزش ها و هنجارهای اکثریت شکل دهند. رهیافت طرفدار همانند شدن خواستار این است که مهاجران زبان و پوشاک و سبک زندگی و نگرش های فرهنگی خود را تغییر دهند تا در نظم اجتماعی جدید ادغام شوند. در ایالات متحده، که از ابتدا به عنوان «ملت مهاجران» تشکیل شد، نسل های متوالی مهاجران در معرض فشار برای «همانند شدن» به این شیوه بوده اند، و به همین سبب بسیاری از فرزندان آن ها کم و بیش به طور کامل، «آمریکایی» شدند.

۱- Ravenstein

۲- Sjaastad

۳- Everet Lee

۴- Zipf

۵- Arthur Lewis

۶- Todaro

مدل دوم مدل کوره ذوب^۱ است. در این مدل به جای آن که سنت‌های مهاجران به نفع سنت‌های غالب از میان برود، این دو سنت در هم می‌آمیزند تا الگوهای فرهنگی جدید و تحول یافته‌ای ایجاد کنند. نه فقط هنجارها و ارزش‌های فرهنگی مختلفی از خارج «وارد» جامعه می‌شود، بلکه وقتی گروه‌های قومی خود را با محیط اجتماعی بزرگ‌تری که وارد آن می‌شوند منطبق می‌سازند، تنوع و گوناگونی بیشتری به وجود می‌آید.

خیلی‌ها بر این عقیده بوده‌اند که مدل کوره ذوب مطلوب‌ترین برآیند تنوع قومی است. سنت‌ها و آداب و رسوم جمعیت‌های مهاجر ترک نمی‌شود، بلکه در شکل دادن به محیط اجتماعی پیوسته در حال پویایی سهیم می‌شود. شکل‌های مختلط آشپزی، مد، موسیقی و معماری جلوه‌هایی از رهیافت کوره ذوب هستند. این مدل تا حدی بیان دقیق جنبه‌هایی از تحول فرهنگی آمریکا است. هرچند که فرهنگ «انگلو» همچنان فرهنگ مسلط است، اما ویژگی‌های آن تا حدی تاثیر گروه‌های بسیار مختلفی را منعکس می‌کند که اکنون جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند.

مدل سوم، کثرت‌گرایی فرهنگی^۲ است. از این منظر، بهترین راه این است که از ایجاد جامعه متکثر راستینی حمایت کنیم که در آن اعتبار و اهمیت مساوی برای خرده‌فرهنگ‌های متعدد و متفاوت به رسمیت شناخته شود. رهیافت کثرت‌گرا گروه‌های اقلیت قومی را همچون سهام‌داران هم‌پایه در جامعه تلقی می‌کند، به این معنا که آن‌ها از حقوقی مشابه حقوق اکثریت جمعیت برخوردارند. تفاوت‌های قومی به منزله‌ی مولفه‌های حیاتی زندگی کل ملت مورد احترام و تجلیل قرار می‌گیرد. ایالات متحده و سایر کشورهای غربی از جهات زیادی کثرت‌گرا محسوب می‌شوند، اما وجود تفاوت‌های قومی عمدتاً نابرابری‌ها را و نه عضویت برابر ولی مستقل در اجتماع ملی را تداعی می‌کنند.

در اروپا رهبران اکثریت گروه‌های اقلیت قومی به نحو فزاینده‌ای روی کثرت‌گرایی تاکید داشته‌اند. برای نیل به منزلتی «برابر ولی متمایز» مبارزه‌های بزرگی در پیش است و در زمان حاضر کثرت‌گرایی هدفی دوردست به نظر می‌رسد. اقلیت‌های قومی هنوز از نظر بسیاری از مردم تهدید به حساب می‌آیند: تهدیدی برای شغل، سلامت و امنیت و «فرهنگ ملی» آن‌ها. سپر بلا ساختن اقلیت‌های قومی گرایشی دیرپا و مقاوم است.

۱-Melting Pot

۲-Cultural Pluralism

استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری^۱ بری

بری^۲ معتقد است، فرهنگ‌پذیری یک فرآیند یادگیری است که از آن طریق فرد در یک زمینه اجتماعی- فرهنگی جدید زندگی را شروع می‌کند. در واقع این فرآیند فرهنگ‌پذیری از اجتماعی شدن اولیه که در جامعه قبلی رخ داده بود، به وجود می‌آید. این فرآیند هم برای تعداد زیادی از گروه‌ها مثل مهاجرین و هم‌چنین برای افراد طبقه مسلط که با جامعه بزرگ‌تر تماس‌های روزانه دارند، اتفاق می‌افتد. فرهنگ‌پذیری یک فرآیند مداوم و متقابلی است و تمامی افرادی را که در یک جامعه متکثر فرهنگی زندگی می‌کنند، در بر می‌گیرد. برای فهم روابط بین‌فرهنگی در جوامع به لحاظ فرهنگی متکثر، بررسی فرهنگ‌پذیری به یک موضوع مهمی تبدیل شده است (بری، ۲۰۰۵؛ سم^۳ و بری، ۲۰۰۶). فرهنگ‌پذیری معمولاً پیامدهای بلندمدتی را در پی دارد. مثلاً سم و بری (۱۹۹۵) تاثیر دو عامل حمایت اجتماعی و نگرش‌های فرهنگ‌پذیری جوانان مهاجر را در ارتباط با اعتماد به نفس مورد بررسی قرار می‌دهند، آن‌ها پی بردند که روابط بین شخصی (ارتباط نزدیک با والدین و تعدادی از دوستان) و نگرش‌های فرهنگ‌پذیری به طور مستقلی به شکل‌گیری انواع مختلفی از اعتماد به نفس کمک می‌کند. این مطالعه در نروژ که یک جامعه چندفرهنگی است به انجام رسید (کوآسیو^۴ و شیوت^۵، ۲۰۰۴: ۲۶۰). بری معتقد است افراد و گروه‌ها در جامعه جدید بر اساس دو کیفیت متمایز به سازگاری می‌رسند: ۱- رفاه فردی (سازگاری روان‌شناختی) و ۲- قابلیت اجتماعی^۶ (سازگاری اجتماعی-فرهنگی) (بری، ۲۰۰۸: ۵۰).

بری از طریق رویکرد نظری خود، سه پرسش اساسی را مورد بررسی قرار می‌دهد: ۱- چگونه جوانان مهاجر فرهنگ‌پذیر می‌شوند؟ ۲- چگونه آن‌ها به سازگاری می‌رسند؟ ۳- آیا برای دستیابی به موفقیت‌ها در جامعه جدید بهترین روش برای فرهنگ‌پذیر شدن وجود دارد؟ با توجه به پرسش اول، ثابت شده است که هیچ شخصی در جستجوی راه‌های مشابه برای پذیرفتن فرهنگ جدید نیست، همه افراد و گروه‌ها استراتژی‌هایی را برای فرهنگ‌پذیری اتخاذ می‌کنند (همان، ۵۰). بنابراین بری مدلی دو بعدی از فرهنگ‌پذیری را ارائه می‌کند که نگرش-های فرهنگ‌پذیری هر دو گروه، یعنی مهاجران و شهروندان جامعه بزرگ‌تر مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر طبق نظریه بری مهاجران با دو سوال اساسی مواجه می‌شوند: سوال اول مربوط به حفظ فرهنگ موروثی خود مهاجران می‌شود؛ آیا ارزش دارد فرهنگ نیاکانم را حفظ کنم؟ سوال دوم مربوط به روابط با دیگر گروه‌های قومی-فرهنگی جامعه بزرگ‌تر می‌شود، آیا حفظ روابط با

۱-Acculturation Strategies

۲-Barry

۳-Sam

۴-Kovacev

۵-Shute

۶-Personal Well-being

۷-Social competence

دیگر گروه‌ها ارزش‌مند است؟ بر اساس پاسخ‌هایی که به این دو پرسش داده می‌شود ممکن است چهار استراتژی فرهنگ‌پذیری نیز از هم متمایز شوند: استراتژی یکپارچگی، همانندگردی، جدایی، حاشیه‌ای شدن (صفر^۱، ۲۰۰۹؛ رودمین^۲، ۲۰۰۶؛ رودریگز موری^۳ ۲۰۰۹؛ فینی^۴ و دیگران، ۲۰۰۱).

از دیدگاه فرهنگی- قومی گروه غیرمسلط مهاجران چهار استراتژی فرهنگ‌پذیری مطرح می‌شود:

همانندگردی: منظور از همانندگردی این است که فرد هویت فرهنگی خود را از دست داده و به فرهنگ جامعه مقصد روی می‌آورد. در همانندگردی فرد مهاجر در فرهنگ جامعه میزبان ادغام می‌شود و به شیوه و آداب و رسوم آن رخ می‌دهد. در این مرحله مهاجر اولویت را به فرهنگ جامعه میزبان می‌دهد (بری، ۲۰۰۸: ۵۱).

جدایی: هنگامی که افراد برای حفظ فرهنگ مادری‌شان ارزش قائل شده و در همین زمان از کنش متقابل با دیگر فرهنگ‌ها سرباز می‌زنند. یعنی جدایی برای مهاجر زمانی رخ می‌دهد که علاقه‌مندی به فرهنگ خودی وجود دارد و افراد به فرهنگ سنتی خودشان اهمیت می‌دهند، اما هیچ توجهی به فرهنگ جامعه میزبان ندارند (همان: ۵۱).

یکپارچگی: منظور از یکپارچگی این است که شخص مهاجر به فرهنگ جامعه مبداء پایبند است در حالی که با فرهنگ جامعه مقصد نیز ارتباط دارد و به آن هم پایبند است. در یکپارچگی نوعی دوفرهنگی واقعی وجود دارد و وفاداری به هر دو فرهنگ نوعی همبستگی اجتماعی را به وجود می‌آورد (همان: ۵۱).

حاشیه‌نشینی: زمانی رخ می‌دهد که فرد مهاجر هم فرهنگ قومی خود و هم فرهنگ جامعه میزبان را طرد می‌کند. بری مدل حاشیه‌نشینی را بیگانگی دوگانه می‌نامد، چون در این استراتژی عدم وفاداری به دو فرهنگ وجود دارد (همان: ۵۱).

با انتقاداتی که نسبت به مدل بری شد او تصمیم گرفت که دیدگاه جامعه میزبان را نیز در مورد مهاجرین مورد بررسی قرار دهد، لذا نگرش اعضای جامعه بزرگ‌تر و استراتژی‌های مربوط به آن را که در واقع انتظاراتی است که شهروندان جامعه در مورد فرهنگ‌پذیر شدن مهاجران اعمال می‌کنند، در نظر گرفت.

کوره ذوب: گروه مسلط جامعه در جستجوی همانندگردی گروه‌های مهاجر با فرهنگ جامعه میزبان می‌باشد (همان: ۵۱).

جداسازی: هنگامی که گروه مسلط به اجبار مهاجران را از جامعه بزرگ‌تر جدا می‌کنند (همان).

۱-Safdar

۲-Rudmin

۳-Rodriguez-Mori

۴-Phinney

حصرگرایی: هنگامی که استراتژی حاشیه‌ای شدن توسط گروه‌های مسلط بر جامعه مهاجر تحمیل می‌شود (همان: ۵۱).

تکثرگرایی فرهنگی: هنگامی که تنوع و تکثر به طور گسترده به‌عنوان ویژگی کل یک جامعه مورد پذیرش همه گروه‌های متنوع قومی - فرهنگی قرار گرفته است (همان: ۵۱).

بری مدعی است حداقل ۶ حوزه روان‌شناختی در فرهنگ‌پذیری مهاجران موثر هستند: ۱- زبان، ۲- سبک‌های شناختی^۱، ۳- شخصیت، ۴- هویت، ۵- نگرش‌ها و ۶- فشارهای فرهنگی‌پذیری^۲، همچنان که فرهنگ‌پذیری اتفاق می‌افتد، رفتارها، نگرش‌ها، اعتقادات و ارزش‌ها نیز اصلاح می‌شوند. بری معتقد است چهار استراتژی فرهنگ‌پذیری با هم پیوسته هستند و از پویایی لازم برخوردارند. افراد ممکن است از یک استراتژی به استراتژی دیگر تغییر موضع دهند و فرهنگ جامعه میزبان ممکن است چندین فرهنگ دیگر را نیز در خود جای دهد (اودن‌هون^۳ و همکاران، ۲۰۰۶: ۶۴۱). همچنین بری معتقد است علاوه بر نگرش‌های فرهنگی‌پذیری (چهار نگرشی که قبلاً ذکر شدند) یک تعدادی از متغیرهای بین‌فرهنگی^۴ نیز در امر سازگاری دخیل هستند: هویت‌های فرهنگی؛ دانش‌زبانی^۵ و استفاده از آن؛ روابط اجتماعی با گروه همالان؛ جنسیت؛ طول‌اقامت؛ ترکیب قومی همسایگی^۶. سازگاری از طریق دو متغیر مورد ارزیابی قرار گرفته است: رفاه روان‌شناختی (مثل عزت‌نفس، رضایت از زندگی و نبود مشکلات روان‌شناختی مانند نبود غم یا نگرانی‌های مکرر) و سازگاری فرهنگی-اجتماعی (مثل سازگاری در مدرسه، نبود مشکلات رفتاری در اجتماع مثل وندالیسم و سرقت‌های جزئی). نتایج تحقیق بری نشان می‌دهد که بیشترین اولویت فرهنگ‌پذیری برای جوانان مهاجر، استراتژی یکپارچگی بود یعنی هم جوانان به فرهنگ موروثی و هم به فرهنگ جامعه جدید متمایل بودند (بری، ۲۰۰۸: ۵۲-۵۱).

۱-Cognitive Styles
 ۲-Acculturative Stress
 ۳-Oudenhoven
 ۴-Intercultural Variables
 ۵-Language Knowledge
 ۶-Neighborhood Ethnic Composition

مدل فرهنگ‌پذیری تعاملی^۱ بوریس^۲

بوریس و همکاران مدل فرهنگ‌پذیری تعاملی را مطرح کردند که یک چارچوب فراگیر و سودمندی را مدنظر قرار می‌دهد. تاکید این مدل هم بر نقش انتظارات فرهنگ‌پذیری جامعه میزبان بوده و هم به جهت‌گیری‌های فرهنگ‌پذیری که توسط مهاجران اتخاذ می‌شود. براساس این مدل ممکن است اعضای جامعه میزبان پنج رویکرد فرهنگ‌پذیری را نسبت به مهاجران اعمال کنند: یکپارچگی، جداسازی^۳، همانند گردی، حصرگرایی^۴ و فردگرایی^۵. سه جهت‌گیری اول مطابق با نظریه بری است، یعنی یکپارچگی، جدایی و همانند شدن، و دوتای آخر مربوط به رویکرد حاشیه‌ای شدن می‌باشند. به عقیده بوریس استراتژی یکپارچگی رویکردی انطباق‌پذیر است که شهروندان جامعه میزبان معتقدند مهاجران شایستگی این را دارند که به طور همزمان، هم میراث فرهنگی خودشان را حفظ کنند و هم جنبه‌هایی از فرهنگ‌ملی جامعه مقصد را اتخاذ کنند. آن‌هایی که از این استراتژی حمایت می‌کنند، معتقدند که جامعه با یک تکامل تدریجی به سوی چندفرهنگی شدن به پیش می‌رود. شهروندان جامعه میزبان که از استراتژی جداسازی حمایت می‌کنند، معتقدند جداسازی فرهنگ‌های مهاجران از مسیر اصلی جامعه، بیشترین سود را برای جامعه بزرگتر به ارمغان می‌آورد. آن‌هایی که طرفدار استراتژی همانندگردی هستند، تمایل دارند تا مهاجران فرهنگ موروثی سرزمین مادری‌شان را به نفع فرهنگ جامعه بزرگتر کنار بگذارند. دیدگاه حصرگرایی معتقد است که مهاجرت و مهاجران برای اجتماع ملی خطرناک بوده و کشور باید خط‌مشی درهای بسته را در مورد مهاجران اعمال کند. سرانجام استراتژی فردگرایی که طرفداران آن معتقدند تنها یک راه درست برای مدیریت موضوعات مربوط به هویت وجود ندارد و از دیدگاه آن‌ها افراد باید قدرت این را داشته باشند تا هر استراتژی را که به نظرشان سودمند است، انتخاب کنند (اودنهون^۶ و همکاران، ۲۰۰۶: ۶۴۲).

برخلاف مهاجران که ترجیح می‌دهند از استراتژی یکپارچگی استفاده کنند، اعضای جامعه میزبان اغلب ایدئولوژی همانندگردی را توصیه می‌کنند و انتظار دارند که مهاجران تمایزات زبانی و فرهنگی خودشان را کنار گذاشته و از ارزش‌های هسته‌ای جامعه میزبان پیروی کنند. آشکار است که بر اساس وضعیت مهاجرت در حال حاضر، فرآیند فرهنگ‌پذیری نباید تنها بر اساس تجربیات مهاجران مورد بررسی قرار گیرد بلکه ما باید تغییرات این فرآیند را در تعاملات و برخوردهای دوجانبه بین هر دو گروه در نظر بگیریم. همچنین باید پیامدهای روابط بین-گروهی و میان فردی را که حاصل امتزاج فرهنگ مهاجر و میزبان هر دو با یکدیگر است را نیز

۱-Interactive Acculturation Model

۲-Bourhis

۳-Segregation

۴-Exclusion

۵-Individualism

۶-Oudenhoven

در نظر داشته باشیم، و بنابراین فرآیندها باید در یک زمینه بین فرهنگی در نظر گرفته شوند (بوریس و دیگران، ۱۹۹۷).

نظریه همانندگردی قطاعی^۱ پورتز^۲

مطالعات در زمینه سازگاری مهاجران خصوصاً نسل دوم آن‌ها و زمینه‌های خانوادگی والدین‌شان توسط بعضی از پژوهشگران مورد مطالعه قرار گرفته است (کاسینیتز^۳، مولنکف^۴، و واترز^۵، ۲۰۰۴؛ کیریبا^۶، ۲۰۰۲؛ لوئی^۷ و واترز، ۲۰۰۲؛ پورتز و رامبات^۸، ۲۰۰۱؛ رامبات و پورتز، ۲۰۰۱). یکی از این نظریه‌ها متعلق به پورتز است که در ادامه بدان می‌پردازیم (والدینگر^۹ و فیلیسیانو^{۱۰}، ۲۰۰۴؛ پورتز، فرناندز کلی^{۱۱} و هالر^{۱۲}، ۲۰۰۵؛ پورتز و رامبات، ۲۰۰۵).

پورتز معتقد است نظریه همانند شدن قطاعی از سه بخش تشکیل شده است:

الف- هویت که از طریق عوامل بیرونی عمده در فرآیند بازی به وجود می‌آید.

ب- توصیفی از موانع اصلی که بچه‌های مهاجران با آن مواجه هستند.

ج- پیش‌بینی شیوه‌های متمایزی که از تاثیرات متقابل این نیروها قابل انتظار است (پورتز و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۰۷۹).

عوامل بیرونی می‌توانند به‌عنوان منابع اساسی معرفی شوند که خانواده‌های مهاجران در هنگام مواجه شدن فرزندان‌شان با چالش‌های بیرونی، از آن استفاده می‌کنند. این عوامل عبارتند از: ۱- سرمایه‌های انسانی که والدین مهاجر از آن برخوردارند، ۲- زمینه اجتماعی که در کشور مقصد به دست آورده‌اند و ۳- ترکیب خانوار مهاجر. تعریف عملیاتی سرمایه انسانی شامل آموزش رسمی و مهارت‌های شغلی است که در بازار کار جامعه میزبان این رقابت‌ها در جریان است و این سرمایه یک نیروی بالقوه‌ای است برای به دست آوردن موقعیت‌های مطلوب در نظام سلسله مراتبی و ثروت آن جامعه. انتقال از این موقعیت بالقوه به حالت بالفعل وابسته به زمینه-ای است که مهاجران در آن قرار گرفته‌اند (همان: ۱۰۷۹).

موردپذیرش قرار گرفتن از سوی مقام‌های دولتی، ابراز همدردی جامعه بومی نه حداقل دشمنی آن‌ها، وجود شبکه‌های اجتماعی با اجتماعات قومی هم‌سرخ که منسجم هستند، باعث می‌شود که مهاجران بتوانند مهارت‌ها و دانش‌شان را که از جامعه بزرگ‌تر کسب کرده‌اند، مورد استفاده قرار دهند. برعکس، یک پذیرش خصمانه از سوی مقام‌های دولتی، عامه مردم، و ضعف

۱-Segmented Assimilation

۲-Portes

۳-Kasinitz

۴-Mollenkopf

۵-Waters

۶-Kibria

۷-Levitt

۸-Rumbaut

۹-Waldinger

۱۰-Feliciano

۱۱-Fernandez-Kelly

۱۲-Haller

یا نبود اجتماع قومی هم‌سرخ، مهاجران را محدود کرده و باعث می‌شود که آن‌ها نتوانند سرمایه انسانی‌شان را تبدیل به اشتغال کنند و یا مهارت‌های شغلی جدیدی را به دست آورند. به عقیده پورتر شیوه‌های مشارکت مفهومی است که دارای سه جزء می‌باشد: دولت، جامعه و اجتماع که مهاجران در هنگام ورودشان با این زمینه‌ها مواجه می‌شوند (هالر^۱ و لندولت^۲، ۲۰۰۵).

سرانجام اینکه تحقیقات نشان می‌دهد که ترکیب خانواده مهاجر تاثیر بسیار زیادی بر روی سرنوشت نسل دوم مهاجران دارد. والدینی که با یکدیگر زندگی می‌کنند و خانواده‌های گسترده-ای که در آنها نقش پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها و بزرگ‌ترها، کنترل و انگیزه دادن به بچه‌ها است باعث می‌شود که همانندی رو به بالا در بین این جوانان گسترش پیدا کند. برعکس خانواده‌های از هم پاشیده که در آن والدین تنها برای تربیت کردن بچه‌ها با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند، دقیقاً تاثیرات منفی را بر روی فرزندان به جای خواهند گذاشت (کاسینیتز^۳ و دیگران، ۲۰۰۱؛ پورتر و رامبات، ۲۰۰۱؛ ژائو^۴ و بنکستون^۵، ۱۹۹۸).

برخلاف تفاسیر غلطی که درباره مدل وجود دارد، چندین مسیر متمایز درباره سازگاری وجود دارد که این مسیرها عبارتند از: همانندگردی رو به بالا^۶، که وابسته به سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی والدین است، همانندگردی رو به پایین^۷، یعنی ماندن در مشاغلی که مربوط به طبقه کارگر فرومایه بوده که مرتبط با فقر، بیکاری و سبک زندگی کجروانه^۸ است (پورتر و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۰۸۰).

با شروع صنعت‌زدایی گسترده و آغاز اقتصاد متکی به خدمات، پورتر به این نتیجه می‌رسد که بازار کار آمریکا به طور فزاینده‌ای به دو بخش تقسیم می‌شود: در یک بخش مشاغل سطح بالا و دانش‌محور نیاز به سواد کامپیوتر و آموزش پیشرفته دارد و بخش مشاغل بدی سطح پایین که مقداری به نیروی بدنی بیشتر نیاز دارد. این بازار کار ساعت شنی^۹ جدید، با رشد اقتصادی نابرابر همراه است و کشورهایی همچون آمریکا را از یک جامعه نسبتاً برابری خواه به سمت جامعه‌ای هدایت می‌کند که در آن درآمد و ثروت به صورت نابرابری توزیع شده است. برای تازه واردانی همچون فرزندان مهاجران که می‌خواهند وارد بازار کار شوند، این بازار کار دوگانه خشن به این معناست که آن‌ها باید فقط در طول یک نسل به مدارک آموزشی پیشرفته دست یابند، کاری که فرزندان اروپایی در چندین نسل به آن رسیدند، در غیر این صورت فرصت‌شان برای برآوردن آرزوهایشان به خطر خواهد افتاد و مانند والدین‌شان تنها شانس اندکی برای مشاغل

۱-Haller

۲-Landolt

۳-Kasinitz

۴-Zhao

۵-Bankston

۶-Upward Assimilation

۷-Downward Assimilation

۸-Deviant Lifestyles

۹- Hourglass Labor Market

یدی با دست‌مزد کم را خواهند داشت، و به خاطر همین است که والدین با اشتیاق تمام برای فرزندان‌شان مشاغل با دست‌مزد بالا در تجارت، پزشکی، حقوق، و آموزش را خواستار شده‌اند. بنابراین واضح است که بدون هزینه‌های مالی و صرف وقت رسیدن به یک درجه دانشگاهی برای این مهاجران تنها در حد یک آرزوی دست‌نیافتنی باقی خواهد ماند (هیرشمن^۱، ۲۰۰۱؛ مسی^۲ و هیرست^۳، ۱۹۹۸). جوانانی که گزینه‌های زیادی برای انتخاب شغل ندارند و مجبورند تا شغل‌های بسیار سخت و با درآمد پایین را انتخاب کنند و یا گاهی در انتخاب شغل به بن‌بست می‌خورند، به راحتی گزینه‌هایی همچون رفتارهای بزهکارانه و باندهای تبهکار را انتخاب می‌کنند. دانش‌آموزانی که در مدارس فقیر پایین‌شهر تحصیل می‌کنند معمولاً در معرض این چنین گزینه‌هایی قرار می‌گیرند و برای این‌که از کانال‌های تحرک شغلی و منزلتی طبقه متوسط سفیدپوست عبور کنند، در دام این سودهای زودگذر و سبک زندگی آرام گرفتار می‌شوند. این توهم باعث می‌شود که به سرعت آن‌ها در یک زندگی خشونت‌بار، اعتیاد به مواد مخدر، محکوم به زندان، و حتی مرگ‌های زودرس گرفتار شوند. از دیدگاه پورتز این شیوه همانندگردی روبه پایین نامیده می‌شود، زیرا یادگیری و درونی ساختن فرهنگ آمریکایی برای این جوانان باعث نشده است که آن‌ها به تحرک رو به بالا^۴ در این جامعه نائل شوند و برعکس نتیجه آن متضاد با روندهای طبیعی جامعه میزبان بوده است (پورتز و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۰۸۱).

کنش متقابل میان عوامل بیرونی که بر روی سازگاری نسل دوم تاثیرگذارند و موانعی که از طریق نژادپرستی، بازار کار دوگانه، دسته‌های خلاف کار جوانان و قاچاق مواد مخدر به وجود می‌آیند، نمی‌توانند با یک روش مشخص از طریق مدل مسیره‌های مختلف سازگاری تفسیر شوند. در عوض، یک سری از پیامدهای مداخله‌گر در مراحل مختلف فرهنگ‌پذیری بین‌نسل‌ها وجود دارد، فرزندان مهاجرانی که والدین آن‌ها دارای شغل‌های حرفه‌ای و از سرمایه انسانی بالایی برخوردارند اغلب یک فرآیند فرهنگ‌پذیری موزونی^۵ را تجربه می‌کنند، یعنی والدین و فرزندان به صورت مشترک زبان و فرهنگ جامعه میزبان را یاد گرفته و می‌پذیرند. دیگرانی که دارای زمینه‌های مشابهی هستند و یا از سطح پایینی از سرمایه انسانی برخوردارند ولی خیلی زیاد با اجتماعات قومی هم‌سنخ نشست و برخاست دارند، از نظر پورتز، فرهنگ‌پذیری گزینشی^۶ را تجربه کرده‌اند، یعنی جوانان مهاجر به صورت هم‌زمان هم شیوه‌های زندگی جامعه میزبان را فرا می‌گیرند و هم عناصر کلیدی فرهنگ والدین‌شان را نیز حفظ می‌کنند. تسلط داشتن به دو زبان توسط نسل دوم مهاجران یک شاخص خوبی از این شیوه التقاطی است (پورتز و هو^۷، ۲۰۰۲). به

۱-Hirschman

۲-Massey

۳-Hirst

۴-Upward Mobility

۵-Consonant Acculturation

۶-Selective Acculturation

۷-Hao

همین منوال، جوانانی که متعلق به خانواده‌های طبقه کارگر مهاجر هستند و حمایت زیادی از جانب اجتماع نمی‌شوند ممکن است فرهنگ‌پذیری ناموزون^۱ را تجربه کنند، که در آن زبان و ارزش‌های جامعه میزبان بدون هیچ آگاهی پذیرفته شده و ارزش‌ها و زبان والدین کنار گذاشته می‌شود، در حالی که والدین یک زبانه هستند، فرهنگ‌پذیری ناموزون باعث از هم‌گسیختگی ارتباطات خانوادگی شده و بچه‌ها از به کار بردن زبان مادری‌شان اجتناب می‌کنند و مخصوصاً به نظر آن‌ها شیوه‌های زندگی والدین‌شان فرومایه و حتی باعث شرمساری آن‌هاست (پورتز و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۰۸۲-۱۰۸۱).

در حالی که فرهنگ‌پذیری ناموزون ضرورتاً منجر به همانندگردی رو به پایین نمی‌شود، چون آشفتگی در ارتباطات خانوادگی باعث می‌شود که والدین نتوانند فرزندان‌شان را کنترل کنند، برعکس فرهنگ‌پذیری موزون و مخصوصاً فرهنگ‌پذیری گزینشی دارای پیامدهای مثبتی است، زیرا جوانان یاد می‌گیرند که به فرهنگ والدین‌شان احترام بگذارند و از بیان کردن آن احساس ضعف و سرشکستگی نمی‌کنند (همان: ۱۰۸۲). مدل دوم پورتز یک طرح گزینشی و اصلاح شده‌تر از همانندگردی قطاعی است که در این مدل پیامدهای نسلی مداخله‌گر را با هم تلفیق کرده است.

^۱-Dissonant Acculturation

نتیجه‌گیری

همانگونه که اشاره شد، مهاجرت موضوع بین رشته‌ای است. بر همین اساس آرا و اندیشه‌های گوناگون و متفاوتی در باره آن وجود دارد که هر کدام از آنها به جنبه خاصی از این پدیده توجه نشان داده‌اند. با توجه به توجهی که در منابع مربوط به مهاجرت به دیدگاه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیستمی و سیاسی و نیز نظریاتی مانند راونشتاین، لی، تدوارو، ریپف، ساستاد شده است، در این مقاله سعی شده با توجه به وضعیت مهاجران در مقصد، به نظریات مطرح شده در این حوزه توجه شود. گیدنز در زمینه ادغام مهاجران در مقصد به سه مدل اشاره می‌کند. این سه مدل عبارت است از: همانندگردی، کوره ذوب، و کثرت‌گرایی. بری چهار استراتژی فرهنگ-پذیری را برای مهاجران در جامعه میزبان مطرح می‌کند که عبارت است از: همانندگردی، یکپارچگی، حاشیه‌نشینی و جداسازی. بوریس و همکاران مدل فرهنگ‌پذیری تعاملی را مطرح کردند. این مدل هم بر نقش انتظارات فرهنگ‌پذیری جامعه میزبان تأکید دارد و هم به جهت‌گیری‌های فرهنگ‌پذیری که توسط مهاجران اتخاذ می‌شود. پورترز نظریه همانندگردی قطاعی را مطرح نمود. بحث اصلی پورترز در زمینه سازگاری مهاجران خصوصاً نسل دوم آن‌ها و زمینه‌های خانوادگی والدین‌شان می‌باشد. پورترز معتقد است نظریه همانند شدن قطاعی از سه بخش تشکیل شده است. یک، هویت که از طریق عوامل بیرونی عمده در فرآیند بازی به وجود می‌آید. دو، توصیفی از موانع اصلی که بچه‌های مهاجران با آن مواجه هستند. سه، پیش‌بینی شیوه‌های متمایزی که از تأثیرات متقابل این نیروها قابل‌انتظار است.

انجام تحقیق و پژوهش در حوزه علوم اجتماعی و نیز جمعیت‌شناسی، منوط به پشتوانه قوی نظری و تئوریک می‌باشد. از اینرو در این پژوهش سعی شده که با مروری بر چند تئوری و نیز مفاهیم اساسی این تئوری‌ها زمینه جهت استفاده از آنان در حوزه تحقیقی مهاجرت فراهم گردد، با این امید که بتواند در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور مثمر‌ثر واقع گردند.

منابع:

- حاج حسینی، حسین. (۱۳۸۵). "سیری در نظریه های مهاجرت"، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۱- پاییز ۱۳۸۵.
- زنجانی، حبیب اله، (۱۳۸۰). *مهاجرت*، چاپ اول، انتشارات سمت.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، *نظریات مهاجرت*، شیراز، انتشارات نوید، چاپ اول.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۳). "مهاجرت نیروی کار ایران به امارات متحده عربی"، *مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران، بررسی مسائل جمعیتی ایران با تاکید بر جوانان*، ۲۳ و ۲۴ اردیبهشت دانشگاه شیراز، صص: ۳۶۴-۳۵۸.
- Aberson, C.L & Am. Gaffney(۲۰۰۸), "An Integrated Threat Model of Explicit and Implicit Attitudes", *European Journal of Social Psychology*, Vol. ۳۹, pp. ۸۰۸-۸۳۰.
- Barry, Declan T.(۲۰۰۵). "Measuring Acculturation Among Male Arab Immigrants in the United States: An Exploratory Study", *Journal of Immigrant Health*, Vol. ۷, No. ۳, pp. ۱۷۹-۱۸۴.
- Bean, Frank and Gillian Stevens(۲۰۰۳). *America's Newcomers and the Dynamics of Diversity*. New York: Russell Sage Foundation.
- Berry, J. W.(۲۰۰۵), "Acculturation: Living Successfully in Two Cultures.", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. ۲۹, pp. ۶۹۷-۷۱۲.
- Berry, John W.(۲۰۰۸), "Acculturation and Adaptation of Immigrant Youth", *Canadian Diversity*, Vol. ۶, No. ۲, pp. ۵۰-۵۴.
- Bourhis, Richard Y. & L & others(۱۹۹۷), "Towards an Interactive Acculturation Model: A Social Psychological Approach", *International Journal of Psychology*, Vol. ۳۲, No. ۶, pp. ۳۶۹-۳۸۶.
- Castles, Stephen(۲۰۰۳), "Towards a Sociology of Forced Migration and Social Transformation", *Sociology*, Vol. ۳۷, No. ۱, pp. ۱۳-۳۴.
csrpc.uchicago.edu/workshops/.../RcWkshpFall10.Steinberg.pdf.
- Greenman, Emily & Yu Xie(۲۰۰۶), "Is Assimilation Theory Dead? The Effect of Assimilation on Adolescent Well-Being", Population Studies Center, University of Michigan, Institute for Social Research, *Report*. ۰۶-۶۰۵.
- Haller, W. and Landolt, P. (۲۰۰۵), 'The Transnational Dimensions of Identity Formation: Adult Children of Immigrants in Miami', *Ethnic and Racial Studies*, Vol. ۲۸, No. ۶, pp. ۱۱۸۲-۲۱۴.
- Hirschman, C. (۲۰۰۱), 'The Educational Enrollment of Immigrant Youth: A Test of the Segmented Assimilation Hypothesis', *Demography*, Vol. ۳۸, No. ۲, PP. ۳۱۷-۳۶.
- http://en.wikipedia.org/wiki/Milton_Gordon

- http://malinowski.kent.ac.uk/docs/rudminf_acculturation_061204.pdf
- http://www.refugeecooperation.org/publications/Afghanistan/03_koepke.php.
- Kasinitz, P., Battle, J. and Miyares, I. (۲۰۰۱) 'Fade to Black? The Children of West Indian Immigrants in South Florida', in Rumbaut, R.G. and Portes, A. (eds) *Ethnicities: Children of Immigrants in America*. Berkeley, CA: University of California Press and Russell Sage Foundation, ۲۶۷-۳۰۰.
- Kasinitz, Philip, John H. Mollenkopf, and Mary C. Waters. ۲۰۰۴. *Becoming New Yorkers: Ethnographies of the Second Generation*. New York, NY: Russell Sage Foundation.
- Kibria, Nazli. ۲۰۰۲. *Becoming Asian American: Second-Generation Chinese and Korean American Identities*. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
- Kovacev, Lydia & Rosalyn Shute (۲۰۰۴), 'Acculturation and Social Support in Relation to Psychosocial Adjustment of Adolescent Refugees Resettled in Australia', *International Journal of Behavioral Development*, Vol. ۲۸, No. ۳, pp. ۲۵۹-۲۶۷.
- Laher, Hawabibi (۲۰۰۸), *Antagonism Toward African Immigrants in Johannesburg, South Africa: An Integrated Threat Theory (ITT) Approach*, MA Thesis, Faculty of Humanities, University of the Witwatersrand, Johannesburg, Supervised by Gillian Finchilescu.
- Levit, Mary J (۲۰۰۵). "Immigration Stress, Social Support, and Adjustment in the First Postmigration Year: An Intergenerational Analysis", *Research in Human Development*, Vol. ۲, No. ۴, pp. ۱۶۹-۱۷۷.
- Levitt, Peggy and Mary C. Waters (eds). (۲۰۰۲). *the Changing Face of Home: Transnational Lives of the Second Generation*. New York, NY: Russell Sage Foundation.
- Maria Scot, Dulce (۲۰۰۹), "Portuguese Americans' Acculturation, Socio-Economic Integration, and Amalgamation", *Sociologia, Problemas E Praticas*, Vol. ۶۱, pp. ۴۱-۶۴.
- Massey, D.S. and Hirst, D. (۱۹۹۸) 'From Escalator to Hourglass: Changes in the U.S. Occupational Structure: ۱۹۴۹-۱۹۸۹', *Social Science Research*, Vol. ۲۷, No. ۱, pp. ۵۱-۷۱.
- Massey, Douglas S. and others (۱۹۹۳), "Theories of International Migration: A Review and Appraisal", *Population and Development Review*, Vol. ۱۹, No. ۳, pp. ۴۳۱-۴۶۶.
- Oudenhoven, John Pieter Van & Colleen Ward & Anne-Marie Masgoret (۲۰۰۶), "Patterns of Relations Between Immigrants and Host Societies", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. ۳۰, pp. ۶۳۷-۶۵۱.

- Phinney, Jean S. & others (۲۰۰۱), "Ethnic Identity, Immigration, and Well-Being: An Interactional Perspective", *Journal of Social Issues*, Vol. ۵۷, No. ۳, pp. ۴۹۳-۵۱۰.
- Portes, A. and Hao, L. (۲۰۰۲) 'The Price of Uniformity: language Family and Personality Adjustment in the Immigrant Second Generation', *Ethnic and Racial Studies*, Vol. ۲۵, No. ۶, pp. ۸۸۹-۹۱۲.
- Portes, A. and Rumbaut, R.G. (۲۰۰۱) *Legacies: The Story of the Immigrant Second Generation*. Berkeley, CA: University of California Press and Russell Sage Foundation.
- Portes, Alejandro & Ruben G. Rumbaut (۲۰۰۵), "Introduction: The Second Generation and the Children of Immigrants Longitudinal Study", *Ethnic and Racial Studies*, Vol. ۲۸, No. ۶, pp. ۹۸۳-۹۹۹.
- Portes, Alejandro and Ruben G. Rumbaut. ۲۰۰۱. *Legacies: The Story of the Immigrant Second Generation*. Berkeley: University of California Press.
- Portes, Alejandro and Ruben G. Rumbaut (۱۹۹۶). *Immigrant America: A Portrait*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Portes, Alejandro, Patricia Fernandez-Kelly and William Haller (۲۰۰۹). "The Adaptation of the Immigrant Second Generation in America: A Theoretical Overview and Recent Evidence", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, Vol. ۳۵, No. ۷, pp. ۱۰۷۷-۱۱۰۴
- Potter, James & Rodrigo Cantarero (۲۰۰۶). "How Does Increasing Population and Diversity Affect Resident Satisfaction? A Small Community Case Study": *Environment and Behavior*, Vol. ۳۸, p. ۶۰۵
- Reik, Blake M. & Eric W. Mania & Samuel L. Gaertner (۲۰۰۶), "Intergroup Threat and Out group Attitudes: A Meta-Analytic Review", *Personality and Social Psychology Review*, Vol. ۱۰, No. ۴, pp. ۳۳۶-۳۵۳.
- Rodriguez-Mori, Howard (۲۰۰۹), *The Information Behavior of Puerto Rican Migrants to Central Florida, ۲۰۰۳-۲۰۰۹: Grounded Analysis of Six Case Studies Use of Social Networks during the Migration Process*, Dissertation, Florida State University, College of Information, Advisor: Kathleen Burnett.
- Rudmin, F. W (۲۰۰۶), "Debate in Science: The Case of Acculturation", In *Anthro Globe Journal* :vol. .pp. ۶۷۵-۷۷۶.
- Rumbaut, Ruben G. and Alejandro Portes (eds). ۲۰۰۱. *Ethnicities: Children of Immigrants in America*. Berkeley: University of California Press.
- Safdar, saba (۲۰۰۹), "Acculturation of Iranians in the United States, the United Kingdom, and the Netherlands: A Test of the Multidimensional Individual Difference Acculturation Model", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, Vol. ۴۰, No. ۳, pp. ۴۶۸-۴۹۱.
- Sam, D. L., and J. W. Berry (Eds.). (۲۰۰۶). *Cambridge Handbook of*

- Acculturation Psychology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Schuerkens, Ulrike(۲۰۰۵), "Transnational Migration and Social Transformations: A Theoretical Perspective", *Current Sociology*, Vol. ۵۳, No. ۴, pp.۵۳۵-۵۵۳.
- Steinberg, Stephen(۲۰۱۰), "Civilization The Primitive: From Robert Ezra Park to William Julius Wilson, From Tuskegee to the Harlem Children's Zone", Queens College & Graduate Center, CUNY, Workshop:
- Stephan, Walter G. & Rolando Diaz-Loving & Anne Duran(۲۰۰۰), "Integrated Threat Theory and Intercultural Attitudes: Mexico and the United States". *Journal of Cross-Cultural Psychology*, Vol. ۳۱, No. ۲, pp. ۲۴۰-۲۴۹.
- Vajner C., Martina & Giuseppe Sciertino(۲۰۱۰), "Theorizing Irregular Migration: The Control of Spatial Mobility in Differentiated Societies", *European Journal of Social Theory*, Vol. ۱۳, No. ۳, pp. ۳۸۹-۴۰۴
- Waldinger, Roger & Cynthia Feliciano(۲۰۰۴), "Will the New Second Generation Experience Downward Assimilation? Segmented Assimilation Re-assessed", *Ethnic and Racial Studies*, Vol. ۲۷, No. ۳, pp. ۳۷۶-۴۰۲.
- Ward, Colleen & Anne-Marie Masgoret(۲۰۰۶), "An Integrative Model of Attitudes Toward Immigrants", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. ۳۰, No. ۴, pp. ۶۷۱-۶۸۲.
- Ward, Colleen & Arzu Rana-Deuba(۱۹۹۹), "Acculturation and Adaptation Revisited", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, Vol. ۳۰, No. ۴, pp. ۴۲۲-۴۴۲.
- Ward, Colleen & Arzu Rana-Deuba(۲۰۰۰), "Home and Host Culture Influence on Sojourner Adjustment", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. ۲۴, No. ۳, pp. ۲۹۱-۳۰۶.
- Ward, Colleen &Bochner, S, &Furham, A. (۲۰۰۱), *The Psychology of Culture Shock*, East Sussex: Routledge.
- Zhou, M. and Bankston, C. (۱۹۹۸) *Growing Up American: How Vietnamese Immigrants Adapt to Life in the United States*. New York: Russell Sage Foundation.
- Zhou, Min. (۱۹۹۷), "Growing up American: The Challenge Confronting Immigrant Children and Children of Immigrants.", *Annual Review of Sociology*, Vol. ۲۳, pp. ۶۳-۹۵.
- Zlobina, Anna & others(۲۰۰۶), "Sociocultural Adjustment of Immigrants: Universal and Group-Specific Predictors", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. ۳۰, pp. ۱۹۵-۲۱۱.

